

ادامه نقض حقوق بشر در ایران

بین المللی به ایران ممانعت بعمل می آورد. بر اساس تحقیقات این سازمان: در حال حاضر در زندان های ایران عده بی شماری زندانی سیاسی هستند که بدون رعایت ابتدایی ترین حقوقی از طرف دادگاه های رژیم به اعدام محکوم شده اند. سازمان عفو بین الملل شمار اعدام شدگان را در سال ۱۹۹۴، ۱۳۹ نفر اعلام کرده است؛ در حالی که رژیم تاکنون در مورد ارقام صحیح محکومین به اعدام و شمار واقعی اعدام شدگان سکوت نموده است.

ادامه در ص ۲

سازمان عفو بین الملل در آخرین گزارش خود، در تاریخ ۳۰ ماه مه ۱۹۹۵، رژیم ایران را به خاطر نقض حقوق بشر مورد انتقاد شدید قرار داد. بنا بر گزارش این سازمان استبداد، شکنجه، زندان های طولانی بدون محاکمه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران در ابعاد وسیع، همچنان ادامه دارد.

از زمان تشکیل حکومت جمهوری اسلامی تاکنون هزاران نفر از مخالفین اعدام شده اند. در خارج از کشور نیز رژیم از کشتار مخالفین خود دست برنداشته است. رژیم تهران همچون گذشته می کوشد که بر این جنایات سرپوش گذاشته و از ورود ناظران



شماره ۴۵۶، دوره هشتم
سال دوازدهم، ۲۰ خرداد ۱۳۷۴

انفجار اجتماعی گریز ناپذیر است!

بیست و چهارم مارس دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست لدراتیو روسیه تشکیل شد. مسأله مرکزی پلنوم بحث و بررسی کارایدئولوژیک و سیاسی-توده ای حزب در شرایط کنونی بود. بیندیوکف، دبیر کمیته مرکزی در مسائل ایدئولوژیک سخنران اصلی جلسه بود. بخش های کوتاهی از این گزارش جالب از اوضاع روسیه را به نظر خوانندگان «نامه مردم» می رسانیم؛

حزب تحلیل جامعی پیرامون مرحله کنونی رشد روسیه ارائه کرده است. نتایج عملکرد سال ۱۹۹۴ و اوایل سال ۱۹۹۵ گواه بر آن است که فاجعه اجتماعی به نقطه اوج خود نزدیک می شود. در عرصه اقتصاد: در این بخش رشته های عمده و اصلی به شکلی فاجعه آمیز در حال فروپاشیدن است. طی سال ۱۹۹۴ محصولات داخلی به میزان ۱۵٪ کاهش یافته است (این میزان برای سال ۱۹۹۳ حدود ۱۲٪ بوده است)، تولید صنعتی به میزان ۲۱٪ افت نشان می دهد (این میزان برای سال ۱۹۹۳ حدود ۱۴٪ بوده است)، سرمایه گذاری در سال فوق به میزان ۲۶٪ کاهش یافته است (این میزان در سال ۱۹۹۳ در حدود ۱۲٪ بوده است)، شمار بیکاران ۲۹٪ افزایش یافته است (این میزان در سال ۱۹۹۳ حدود ۱۵٪ بوده است). شتاب سقوط این

ادامه در ص ۶

رفقا! تاریخ رشد اجتماعی حالات فراوانی را می شناسد که روند اجتماعی به جهاتی انرژی های هسته ای را در ذهن متبادر می کند. آنها فقط در صورتی می توانند سازنده باشند که قابل کنترل و هدایت باشند و در غیر این صورت فاجعه به بار می آورند، و کاتاکلیزم (از هم پاشی شدید)، جنگ ها، ویرانی کشورها، نابودی خلق ها و حتی مهد تمدن هایی را با خود می آورند.

کشور ستمدیده ما چنین دورانی را از سر می گذراند، ده سال پس از به اصطلاح پرسترویکا و اعمال جنایتکارانه که به نام رفرم انجام شد اینک دیگر شاهد فاجعه ای اجتماعی است که ابعاد آن را فقط با فرو ریختن امپراتوری روم می توان مقایسه کرد.

در سومین کنفرانس حزب کمونیست روسیه فدراتیو، در اسناد آن و قبل از همه در برنامه

عدالت اجتماعی به روایت جمهوری اسلامی

در حالیکه میلیون ها کارمند زیر خط فقر زندگی می کنند دولت افزایش حقوق ۱۰۰٪ به مدیران می دهد

که اشاره کوتاه به آنها حائز اهمیت است. بر اساس همین گزارش ها، در جریان بررسی مسأله واگذاری خودروهای دولتی در مجلس معلوم شد که حتی برخلاف مصوبه مجلس ۲۰٪ از این خودروها به مدیران داده شده است و این در حالی است که نسبت مدیران به کارمندان دولت حداکثر به ۵٪ می رسد. افزون بر این، مدیران دولتی از بسیاری مزایای دیگر مانند مزایای مسکن، اتومبیل و غیره نیز استفاده می کنند که

ادامه در ص ۲

مجلس شورای اسلامی در یک جلسه غیر علنی [!!!] بخشنامه اخیر هیئت دولت را که بر اساس آن حقوق و مزایای مدیران دستگاه های دولتی از ۴۰ تا ۱۰۰٪ افزایش می یابد، مورد بحث و بررسی قرار داد. بر اساس گزارش روزنامه های مجاز کشور برخی از نمایندگان مجلس ضمن ابراز مخالفت، این طرح را مغایر با عدالت اجتماعی دانستند. در حاشیه این اقدام بی سابقه دولت (مخفی کردن مسأله افزایش حقوق مدیران رده های بالا) گزارش ها و اخبار افشاگرانه جالبی در مطبوعات انتشار یافت

در دیگر صفحات:

«نظام اسلامی» - «یک کشور نمونه و در حال رشد» ص ۳

در «کنفرانس بین المللی نقش زن» در تهران از تنها موضوعی که صحبت نشد شرایط فاجعه بار زنان ایرانی بود ص ۷

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به کمیته مرکزی حزب توده ایران ص ۸

زنده باد آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

عدالت اجتماعی به ...

اکثریت کارمندان از آنها محرومند. در بخشنامه ای که در یکی از وزارتخانه های دولتی از سوی مدیر امور اداری صادر گردید از جمله ذکر شده است: «به منظور جذب و نگهداری نیروهای متخصص و کارشناسان رده های بالای سازمانی... مقام محترم وزارت با پرداخت فوق العاده شغل (حق مقام) به شاغلین مندرج در لیست پیوست ... موافقت فرموده اند...».

و اما «شاغلینی» که قرار است از این مزایا برخوردار شوند چه کسانی هستند؟ در بخشنامه می خوانیم:

«گروه الف: معاونین وزیر و مدیران عامل چهار شرکت اصلی هرکدام یک میلیون و ۲۵۰ هزار ریال،

گروه ب: اعضای هیئت امنای چهار شرکت، روسای دانشکاه و پژوهشگاه، هرکدام یک میلیون و ۱۱۵ هزار ریال...».

بالاخره معلوم شد که منظور «ریاست جمهور محترم» از ضرورت تحقق عدالت اجتماعی در جامعه، که در نماز جمعه های اخیر مدام به آن اشاره می کرد، چیست. عدالت

اجتماعی از دید سران جمهوری اسلامی پروا تر شدن اقلیتی بسیار محدود، و فقیرتر و محروم تر شدن اکثریتی عظیم است. در حالی که اکثریت چهارمیلیونی کارمندان دولتی (با متوسط حقوقی بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان در ماه) در شرایط طاقت فرسا و دشواری، گاه با تحمل بیش از ۱۸ ساعت کار در روز و داشتن سه یا چهار شغل متفاوت تلاش می کنند تا زندگی حداقلی را برای خود و خانواده خود تامین کنند، مدیران رده بالا که اکثراً نیز از «امت حزب الله» و نزدیکان سران رژیم نیز هستند، اضافه حقوق های میلیونی، اتومبیل مجانی و حق مسکن دریافت می کنند. تعمیق فاصله طبقاتی و تشدید محرومیت اکثریت عظیم جامعه بی شک زمینه ساز تشدید بحران و ناآرامی های اجتماعی هرچه بیشتر خواهد بود و بیهوده نیست که هیئت دولت تلاش می کند تا در پشت درهای بسته مجلس به این اعمال خود جنبه قانونی بدهد.

نکته دیگری که توجه به آن در این جا ضرور است، این موضوع است که اتفاقاً این قشر ۵ درصدی رده بالای اداره های دولتی است که اساسی ترین نقش را در گسترش فساد و ارتقا در وزارت خانه ها و ادارات کوناگون

دولتی به عهده دارد. رشوه های کلان میلیونی، تعدی و زورگویی به مراجعان و بالا کشیدن میلیاردها تومان از جمله دیگر مزایای پنهانی است که سران رژیم و شرکا و وابستگان به آنان برای «روز مبادا» ذخیره می کنند. حزب ما در سال های اخیر ضمن تحویل همه جانبه نقش مخرب و انکلی بورژوازی بوروکراتیک نوین که عمدتاً از روسا و مدیران رده های بالای دستگاه اداری جمهوری اسلامی تشکیل شده است، این بخش از سرمایه داری در کنار سرمایه داری بزرگ تجاری کشور را مهمترین نیروهای تشکیل دهنده حاکمیت استبدادی کنونی و مهمترین سد راه هرگونه تحول مثبتی در جامعه ما ارزیابی کرده است. امروز با گذشت بیش از شانزده سال از انقلاب بهمن ۵۷، مردم ما شاهد خیانت آشکار سران جمهوری اسلامی به تمامی آرمان های انسانی انقلاب خصوصاً آزادی و عدالت اجتماعی هستند. شعارهای توخالی و عوام فریبانه رفسنجانی و شرکا امروز چیزی جز یک شوخی مضمض کننده با سرنوشت دردناک مردم میهن ما نیست و دیری نخواهد پایید که خلق پاسخ شکننده خود را به این خائنان بدهد.

ادامه نقض حقوق بشر ...

در گزارش این سازمان همچنین به ترور افراد و نمایندگان اقلیت های مذهبی اشاره شده است. هایک هوسپیان، دبیر شورای کشیشان اوانگلیش، که به طور علنی علیه آزادی های مذهبی اعتراض کرده بود، در ژانویه سال ۹۴ به قتل رسید. دو روحانی مسیحی دیگر به نام های میکائیلیان و مهدی دیباج به طرز مشکوکی به قتل رسیدند. (دیباج به دلیل روی گردانی از دین اسلام به مرگ محکوم شده بود ولی پس از ده سال از زندان آزاد گردید). بنابر همین گزارش، در ژوئیه سال گذشته (۱۹۹۴) جسد محمد ضیاء، رهبر اهل سنت پیدا شد. سازمان عفو بین الملل اظهار می دارد که واقعه قتل چهار نفر ایرانی در تاریخ سپتامبر سال ۹۲ در برلین تنها ترور در خارج از کشور نبوده است. به عقیده دادستان برلین سازمان جاسوسی دولت ایران این نقشه را رهبری کرده است. در دو سال گذشته شماری از ایرانیان وابسته به اپوزیسیون و وابستگان به سازمان های گرد در ترکیه هدف حملات عاملان رژیم قرار گرفته اند. همچنین یکی از مهاجرین سیاسی گرد در سوئد به قتل رسیده است.

سازمان عفو بین الملل در انتهای گزارش اعلام کرده است که این رژیم همچنین در تعقیب ترور دگراندیشان غیر ایرانی از جمله سلمان رشدی است.

اخبار داخلی ...

این صورت سرکوب می شود. چگونه ممکن است دانشجویان بتوانند وارد سیاست بشوند؟

نیازی به سخن دربارۀ نبود مدرسه و کلاس و امکانات دیگر، که کلاس های چند «شیفتی» را در شهرها- جلو چشم همه و نه در روستاهای پرت و دور افتاده پشت کوه ها، که قصه اش ناگفته پیداست- به وجود آورده است، نیست.

به خلاف گفته شاعر ما، بسیاری هستند که نه در کنار «فرات»، بل در ایران ما و در «ساحل خزر» ند و قدر آب می دانند. یکی از همین ایرانیان می نویسد: «من یکی از اهالی روستای لنینگان، که با «نوشهر» (در ساحل دریای خزر) ۵ کیلومتر فاصله دارد، هستم، این روستا فاقد آب آشامیدنی است.»

داستان دو فرار از این «آرمان شهر»

الف: فرار پاسدار «آرمان شهر»

نشریه «پیام دانشجو»، چاپ تهران، خبر داد: «مسئول خرید نیروهای مسلح که برای خرید به مسکو رفته بود، به آمریکا کریخت و اعلام کرد که ۶ میلیون دلار را برنخواهد گرداند (گر تضرع کنی و کر فریاد جوجه را کر به پس نخواهد داد). آگاهان مسایل ایران، نام این شخص را

سرتیپ پاسدار «شفق» اعلام کردند.»

پیام دانشجو به حساب هر دلار اخیراً «تثبیت شده» دولتی، این مبلغ مسروق از «آرمان شهر» را به ۱۸ میلیارد ریال تخمین زد!

ب: فرار برای نجات جسم و جان «از دست حکومت آخوندها»

سرگرد خلیل عرفان، خلبان هلیکوپتر هوانیروز کرمانشاه، با هلیکوپتر کریخت و در منطقه خود مختار کردستان عراق، در سلیمانیه فرود آمد. وی که بر اثر درهم شکستن هلیکوپتر، در پی فرود در زمینی ناهموار زخمی شده بود، با پای پیاده مسافتی را پیمود و به محل دفتر سازمان ملل رفت و تقاضای پناهندگی کرد.

با همه اینها، رهبران حکومت اسلامی همچنان جاهلانه در برخورد با واقعیت ها تجاهل می کنند

چنانکه رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه نگاران روسی می گوید: «در داخل هم خوشبختانه وضعیت انقلاب بسیار مستحکم است (البته بیاری چماق، تفنگ، توپ و هلیکوپتر همیشه آماده برای سرکوب) و مردم شدیداً به انقلابیشان علاقمندند... به نظرم هیچ مشکلی برای نظام وجود ندارد!»

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

در این «نظام نمونه»، قضاوت بر اساس ضوابطی خرفانی نگاشته شده است و حقوق مدنی و حتی انسانی افراد در مقابل قانون و دستگاه اجرایی آن پیشیزی ارزش و اعتبار ندارد. از به کار گیری اعمال غیر انسانی مانند سنگسار کردن تا بریدن دست و پای مجرمین تا سپردن امر قضاوت به افرادی که کوچکترین تخصصی در این امر ندارند، و مهمتر از همه حاکم کردن روابط به جای ضوابط و ایجاد يك دستگاه قضایی عمیقاً فاسد و پوسیده و

روشنی پیش رو ندارد، بلکه اکثریت آنان محروم از حق تحصیل، کار و برپایی يك زندگی مستقل هستند و آینده ای تیره و تاریک پیش رو دارند. در دوران «نظام نمونه اسلامی» کیفیت و سطح آموزش و فرهنگ کشور از مدارس ابتدایی تا دبیرستان و دانشگاه ها به شدت نزول کرده است به طوری که امروز ما در ایران برای نخستین بار شاهد مدارس ۵، ۴، ۳ و «شیفتی» هستیم. زنان که بیش از نیمی از جامعه ما را تشکیل

هاشمی رفسنجانی در دیدار با مهمانان خارجی که در مراسم سالگرد مرگ خمینی گردآمده بودند سخنانی ایراد کرد و با اشاره به «پیشرفت های نظام اسلامی ایران» از جمله گفت: «امروز افکار و اندیشه های سازنده و قرآنی امام راحل با همان طراوت و نشاط آغاز انقلاب بر فضای جامعه و حکومت اسلامی ایران حاکم و استوار است و با استحکام و ثبات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی نظام اسلامی با اقتدار راه توسعه را می پیماید و به يك کشور نمونه در حال رشد تبدیل شده است.» (روزنامه «رسالت»، ۱۶ خرداد ماه ۱۳۷۴).

«نظام اسلامی» - «يك کشور نمونه» و در حال رشد»

واپسگرا همگی از ویژگی های اساسی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به شمار می رود.

آزادی در «نظام اسلامی نمونه» تا آن حدی است که کسی با رژیم استبدادی حاکم مخالفتی نداشته باشد و به خواست های رژیم در عرصه های کوناگون تن در دهد. دگراندیشان، چه غیر مذهبی و چه مذهبی هزار هزار دستگیر و روانه شکنجه گاه های قرون وسطایی می شوند تا در آنجا درخیمان یا تخته شلاق، دست بند قیانی، دستگاه «آپولو»، «اجاق انسان» و ... از آنان استقبال کنند و تا حد مرگ و یا درهم شکستن اعتقاد و اندیشه شان آنان را شکنجه نمایند. در این «نظام نمونه»، نویسندگان آزادیخواه، مبارزان راه آزادی، هنرمندان مردمی، انسان های اندیشمند، و دانشمندان «کالیله وار» شکنجه می شوند تا بگویند «زمین نمی گردد».

در «نظام نمونه» هاشمی رفسنجانی و دیگر سران رژیم، هزاران انسان بی گناه تنها به جرم عشق به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و «نه» گفتن به شکنجه گران در بیدادگاه هایی که واقعاً در جهان کم نظیرند، در عرض ۵ دقیقه محاکمه می شوند و سپس وحشیانه حلق آویز می شوند و انبوه اجساد آنان در کوره های جمعی مخفی، با بولدوزور به خاک سپرده می شود. کاری که جنایتکاران فاشیست در دوران حکومت خود با یهودیان، کمونیست ها و مبارزان ضد فاشیست کردند.

چنین است «نظام نمونه» اسلامی که حضرات در ایران ایجاد کرده اند. تاریخ بی شک این «نظام نمونه» و مسوولان این همه جنایت و تخریب را در جایگاه ویژه مستبدان تاریخ اندیش ثبت خواهد کرد. سرنوشت این «نظام نمونه» اسلامی بی شک چیزی جز سرنوشت حکومت استبدادی گذشته که با عملکرد های مشابهی می خواست ایران را به سوی «تدن بزرگ» ببرد، نخواهد بود. سرنوشت حکومت های دیکتاتوری و دیکتاتورها از شیلی، آفریقای جنوبی تا ایران علی رغم ویژگی هایشان، همگی یکسان است، روانه شدن به زیاله دان تاریخ.

*** **

می دهند و نقش مهم و به سزایی در پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ عهده دار بوده اند، امروز به مثابه شهروندان درجه دوم از بسیاری از حقوق خود محروم شده اند. حق کار، حق تحصیل، حق انتخاب همسر، و ... حتی حق تعیین لباس و پوشاک از جمله حقوقی است که با حاکم شدن اندیشه های قرون وسطایی سران رژیم، از زنان دریغ شده است و نیمی از جمعیت کشور در واقع در حصار زندان فکری که سران جمهوری اسلامی ایجاد کرده اند، زندانی عقیدتی هستند.

اقلیت های ملی و مذهبی از حقوق اولیه خود محرومند و در بسیاری از عرصه ها به دلیل عدالت خواهی و مبارزه در راه تامین حقوق انسانی خود، به شدت سرکوب شده اند.

تبلیغ فرهنگ جنگ طلبی، عظمت طلبی و تحمیل ادامه جنگ خانمان سوز ایران و عراق زیر شعار «آزادی کریلا» و استقرار «امپراتوری اسلامی» به مردم که صدها هزار کشته، مجروح و میلیاردها دلار خسارات اقتصادی برای کشور به بار آورد.

بسط و گسترش اعتیاد و فساد اخلاقی، که ریشه در محرومیت شدید و عقب ماندگی فرهنگی جامعه دارد و شرایط دشواری را برای خانواده ها ایجاد کرده است. حتی کودکان ایرانی از «برکات» این «نظام نمونه» نیز بی بهره و نصیب نمانده اند و در دوران ۱۶ ساله این حکومت، مورد ظلم و جور سیستم غیر انسانی حاکم قرار گرفته اند. از استثمار وحشیانه کودکان خردسال که در غیر انسانی ترین شرایط به کار توان فرسای بدنی گرفته می شوند تا خرید و فروش اطفال و قانونی کردن تجاوز به کودکان خردسال دختر (۹ ساله) زیر پوشش «ازدواج»، تنها گوشه هایی از دستاورد های این «نظام نمونه» در عرصه اجتماعی است.

در عرصه حقوق مدنی، قضایی، حقوق و آزادی های دموکراتیک

در این عرصه، می بایست به جناب هاشمی رفسنجانی و سران حکومت جمهوری اسلامی واقعاً تبریک گفت که آنچنان «نظامی» را در جهان پدید آورده اند که نمونه آن را در کمتر جایی می توان یافت.

حال بیستم مشخصه های اساسی این کشور «اسلامی» در حال رشد» که هاشمی رفسنجانی آن را به رخ مهمانان خارجی جمهوری اسلامی می کشد، کدامند.

در عرصه اقتصادی

ورشکستگی کامل مالی دولت، داشتن بیش از ۴۰ میلیارد دلار بدهی خارجی، اعمال سیاست هایی که به نابودی زیر ساختار صنعتی کشور و در نتیجه ورشکست شدن ده ها واحد تولیدی و بیکاری صدها هزار کارگر منجر شده است. حفظ نظام تک محصولی اقتصادی به ارث رسیده از حکومت استبدادی گذشته و فروش نفت، که سرمایه ملی است، به مثابه عمده ترین محل درآمد کشور، کاهش چشمگیر سطح درآمد واقعی اکثریت شهروندان، رشد سرسام آور قیمت ها و تورم انفجارکیخته که شرایط زندگی را برای ده ها میلیون نفر بسیار طاقت فرسا و دشوار کرده است. اتخاذ سیاست های ضد ملی و تبدیل کشور به بازار بزرگ کالاهای مصرفی کشورهای امپریالیستی در حدی که تنها در سال های ۷۱، ۷۰ و ۷۲ بیش از ۶۵ میلیارد دلار کالاهای مصرفی به بازار های ایران وارد شد و میلیاردها دلار به بدهی های خارجی ایران افزود. ایجاد يك سیستم اقتصادی کاملاً وابسته به دلار و «استکبار جهانی» به شکلی که تنها با نوسان های دلار در بازار جهانی در عرض يك هفته ۵٪ قدرت خرید دولت از بین می رود. حراج منابع طبیعی و معادن کشور، و بالاخره روانه کردن میلیاردها دلار از مردم غارت شده به جیب تعداد انکشت شماری سرمایه دار بزرگ (و از جمله سران رژیم جمهوری اسلامی) که حجم نقدینگی آنان در دوران «نظام اسلامی نمونه» بیش از ۴۰٪ افزایش یافته و به رقم افسانه ای ۴۷۵۹۱ میلیارد ریال افزایش یافته است.

در عرصه اجتماعی

ایجاد جامعه ای که در آن فقر و محرومیت فراگیر است و حتی براساس آمارهای دولتی بیش از ۴۵٪ از شهروندان، یعنی نزدیک به ۲۷ میلیون ایرانی در شرایط بسیار دشوار و زیر خط فقر زندگی می کنند. میلیون ها نفر از داشتن مسکن و دستیابی به بهداشت، آموزش و سایر وسایل رفاهی محرومند و نسل جوان کشور نه تنها آینده

آرمان شهر فقهاتی، بدانگونه که خامنه ای ارائه می کند

سید علی خامنه ای نیز مانند همه رهبران خودکامه که تا لحظه سقوط نمی خواهند و نمی توانند چیزی جز دروغ و فریب به مردم جبرا ناکزیر به تحمل رهبری- لزوما نه دیرپای- خود بدهند مانند دیگر همقطاران خود هر روز تصویری از «آرمان شهر» دروغینی به مردم ایران و جهان ارائه می کند که شاید به علت تکرار، واقعا هم به جای حقیقت به خودش مشتبه شده است.

وی در مراسم ششمین سال مرگ خمینی، در مقبره او گفت: «شش سال پس از فوت خمینی، راه او «با صلابت» کامل ادامه دارد و هیچ عدولی از مواضع وی صورت نگرفته است». وی سپس به تکرار اکاذیب رسوا و جهان شناخته پرداخت و ایران امروز را «کشوری پیشرفته و آباد و در حال سازندگی بیشتر» و مردم ایران را «خوشبخت و مورد رشک مردم دنیا» توصیف کرد.

و اما منابع خبری در تفسیر این «صلابت» مورد ادعا چه می گویند

خبرگزاری «رویتر» برای دومین روز پی در پی، اوضاع ناپسامان اقتصادی ایران را از تهران گزارش کرد و اعلام داشت «ملایان در اداره اقتصاد ایران شکست خورده اند». این خبرگزاری با استناد به نظر تحلیلگران اقتصادی، همچنین اعلام کرد که تلاش های حکومت برای سرو سامان دادن به اقتصاد ایران بدون اعمال تغییراتی در روش حکومت و مملکت داری نمی تواند سودبخش باشد. یک صاحب نظر ایرانی به «رویتر» گفت: «مسائل اقتصادی ایران از مسایل سیاسی سرچشمه می گیرد»؛ و تحلیل کرد دیگر گفت: «ایرانیان، سیاست دولت را جدی تلقی نمی کنند».

در پاسخ وزیر بازرگانی حکومت اسلامی («آرمان شهر»)، که او نیز طوطی صفت، کزافه گویی رهبر را تقلید و تکرار می کند و یک جا می گوید «ما افتخار می کنیم که خودکفا شده ایم و احتیاجی به آمریکا نداریم» و جای دیگر بند را به آب می دهد و اعتراف می کند: «ما احتیاجاتمان را از کشورهای دیگر تامین می کنیم»، در ستون «الو سلام» روزنامه «سلام» می خوانیم: «مطالبی که آقای وزیر بازرگانی در مصاحبه با «کیهان» بیان نموده اند متناقض بود... اگر ما خودکفا شده ایم دیگر چه نیازی وجود دارد که از کشورهای دیگر خرید کنیم؟! (توضیح: جناب وزیر تقصیر ندارد، همه دروغگویان کم حافظه اند).

نکته مهم در سخن وزیر بازرگانی، آنچه «سلام» و هیچ روزنامه دیگر در ایران حق تفسیر و توضیح آن را ندارد، این بود که وی ناخواسته پا توی کفش رهبر کرد و آنچه را او رشته بود پنبه کرد. مگر می توان مملکتی را که احتیاجاتش را از کشورهای دیگر تامین می



کند پیشرفته و آباد و در حال سازندگی بیشتر توصیف کرد؟ مصداق این تناقض، همان «کوسه و ریش پهن» است!

و داوری هایی از درون و بیرون، و ناقص این قول «رهبر» که «مردم ایران خوشبخت و مورد رشک مردم دنیا» هستند

در ستون «الو سلام» روزنامه «سلام» می خوانیم: «ظاهرا دولت محترم پذیرفته است که کرائی کمر مردم را خم کرده و به همین دلیل می خواهد کوبین ها را به تعداد بیشتری توزیع نماید. ولی باز هم مثل نوبت پیش، مثل اینکه مشکل کرائی فقط مربوط به روغن و برنج است. گوشت، تخم مرغ، سیب زمینی و دهها قلم دیگر از این نوع آنقدر کران شده اند که دست هر کسی به آن نمی رسد؛ یک کارمند حتی نان و پنیری که سابقا جزو غذاهای فقیرانه بود را هم نمی تواند به سادگی تهیه نماید!»

روزنامه «سلام» همچنین نوشت: «بسیاری از کارمندان و کارگران با حقوق و دستمزدهای کنونی حتی توانایی پرداخت بهای اجاره یک اتاق کوچک در دورافتاده ترین مناطق شهر و حتی حومه آن را ندارند...»

دشواری و توان فرسایی زندگی این قشر محروم و زحمتکش، که «خوشبخت و مورد رشک مردم دنیا» توصیف شده اند هنگامی آشکارتر می شود که از سیر سعودی و سرسام آور قیمت های مورد نیاز آنان، به وسیله منابع خبری داخلی آگاه می شویم. به گواهی مطبوعات، در روزهای اخیر قیمت یک کیلو لوبیا به ۲۵۰ تومان، عدس ۳۵۰ تومان، ماش ۱۶۰ تومان، برنج تایلندی ۲۷۰ تومان، برنج اشرفیه و طارم علیا ۶۰۰ تا ۶۵۰ تومان، روغن مایع ۳۳۵۰ تومان، چای بسته یک کیلویی ۱۲۰۰ تومان افزایش یافته است.

در بیان این تناقض میان ادعاها و واقعیت ها خواننده ای به «سلام» نوشت: «جندی پیش یکی از مسوولین ادعا کرد که وضع زندگی مردم بد نیست و حتی از گذشته هم بهتر شده است. این خلاف آن چیزی است که ما در اطراف خود مشاهده می کنیم، شاید اینها مردمی را می بینند که ما نمی بینیم!»

«سلام» در پاسخ نوشت: «دلیل اختلافی که بین مشاهدات این خواننده و اظهارات مسوولان وجود دارد این است که مسوولان مثلا میزان مصرف کل جامعه را در نظر می گیرند و آن را با مدت مشابه در سال یا سال های قبل مقایسه می کنند و لذا می گویند چون میزان مصرف بالا رفته است پس وضع مردم بهتر شده است و این افزایش مصرف چون مبتنی بر آمار و ارقام است، قابل رد نیست ولی نکته مهم این است که این افزایش مصرف مربوط به بخشی از جامعه است که درآمدهای فراوانی از شرایط اقتصادی موجود به چنگ آورده اند ولی بخش عظیمی از جامعه نه تنها افزایش مصرف نداشته اند که حتی کاهش نیز داشته اند. بسیاری کسانی که مصرف گوشت از سبب هزینه آنان یا به طور کلی حذف شده است و یا در حداقلی نزدیک به حذف آن است. بسیاری کسانی که مصرف میوه از سبب هزینه آنان حذف شده و یا در شرف حذف است. وقتی در سفره خانه شهرداری برای یک وعده غذای نان و سیب زمینی هجوم افراد نیازمند مشاهده می شود و حتی سیب زمینی هم تمام می شود و به جای آن نان و سبزی داده می شود باز هم از مراجعه کنندگان کاسته نمی شود خود نشانه آن است که علی رغم بالا رفتن مصرف در کل جامعه، به دلیل توزیع ناعادلانه درآمدها عده ای چنان می شوند که امیرالمومنین علیه السلام فرمود: «چنان می خورند که شتر به گیاه بهاری دست یافته است»، و عده ای هم با سیلی صورت خود را سرخ نکه می دارند. فلذا شما در اطراف خود چیزهایی را مشاهده می کنید که با اظهارات مسوولان مغایرت دارد.»

با اینهمه، «صلابت» حضرات همچنان ادامه دارند، منتها در کزافه گویی و قلب حقیقت

از جمله، تصویر دیگری که رفسنجانی از «آرمان شهر فقهاتی» ارائه می کند: وی در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی «بی. بی. سی» آمریکا، ادعا کرد: «اکثریت قاطع مردم ما خیلی از انقلاب راضی هستند... دهها هزار روستا را اگر بروید می بینید که آب، برق، تلفن، بهداشت، راه، مدرسه و همه چیز در روستاها برده شده است...»

پاسخ «مردم ما» خیلی راضی، رفسنجانی

باز در «الو سلام» روزنامه «سلام» می خوانیم: «چند روز قبل دانشجویان دانشگاه تربیت معلم مجتمع حصارک نسبت به وضعیت پد غذا و آب و سایر مشکلات صنفی... اعتراض نمودند... اما پس از گذشت چند روز، مدیریت دانشگاه ۵۰ نفر از دانشجویان را به کمیته «انضباطی و حراست» احضار نموده و در صدد با اخراج تعدادی از آنان دانشجویان را ساکت نمایند... کوچکترین خواست دانشجویان که در مورد مسایل صنفی است به

روسیه

در هفته اول خرداد روسیه به طرح «مشارکت برای صلح» ناتو پیوست ولیکن بسیاری از ناظران مطلع معتقدند که این حرکت نه به معنای پایان مخالفت مسکو با طرح های توسعه این پیمان تجاوزگر به اروپای شرقی، بلکه انعکاس یک تغییر تاکتیکی است.

وزیر خارجه روسیه در اجلاس وزرای خارجه ۱۶ کشور عضو ناتو که در هلند برگزار شد گفت: «به جای در نظر گرفتن راه های توسعه ناتو، ما نیاز داریم که توجه خود را بر روش های ساختمان یک اروپای واحد متمرکز کنیم... به بیان دیگر، ما پیشنهاد می کنیم که [ناتو] متوقف شود و فکر کند، به عوض اینکه عجلانه و کورکورانه اقدام نماید». طرح «مشارکت برای صلح» از سوی رهبران کشورهای غربی به عنوان یک مرحله بینابینی برای کشورهای سوسیالیستی سابق اروپای شرقی که خواستار پیوستن به ناتو هستند، در نظر گرفته شده است. روسیه یک سال قبل موافقت نمود که به این طرح بپیوندد ولی به امید اینکه شرایط بهتری به دست بیاورد، تا اوایل خرداد ماه از امضای آن خودداری کرد.

یکی از خبرگان سیاست خارجی روسیه در این باره اظهار داشت: «روسیه خواستار تضمین هایی مبنی بر این است که ناتو از یک اتحادیه نظامی به یک پیمان سیاسی بدل خواهد شد... افزون بر این، امروز که جنگ سرد تمام شده است، دشمن ناتو چه کسانی هستند... اگر غرب در مورد انتقال نیروهای نظامی خود به عمق اروپای شرقی و قلمرو قبلی اتحاد شوروی سابق اصرار کند، در این محق هستیم که برترسیم روسیه به عنوان دشمن انتخاب شده است». موافقتنامه فوق شامل سندی است که «رابطه ویژه» بین روسیه و ناتو را طرح ریزی می کند ولی مفاد آن با آنچه مسکو انتظار داشت تفاوت دارد. وزارت دفاع و محافل ناسیونالیست و مخالفان دولت یلتسین بر این عقیده هستند که سیاست «کوزیرف» منافع اساسی روسیه را تسلیم کرده است. الکساندر کولتز در روزنامه نظامی «کراسنایازوه زدا» می نویسد: «آیا شرکت روسیه در این همکاری یک ماهیت یک طرفه نیست... مشخصاً به نظر می رسد که رهبران ناتو، این و یا آن تصمیم را می گیرند و سپس از روسیه دعوت می شود که آن را به مرحله اجرا درآورد».

تورکیه

به دنبال اقدام ترکیه پیرامون مانورهای نظامی در دریای اژه در روز ۱۰ خرداد، روابط بین کشورهای منطقه بالکان به وخامت گرایید. این تمرینات که نیروهای زمینی، هوایی و دریایی را در بر می گیرد متعاقب تصمیم یونان برای امضای موافقتنامه «قانون دریا» که دربردارنده حق این کشور برای گسترش قلمرو آبی آن در دریای اژه است، اعلام گردیده است. سخنگوی دولت یونان، اوآنجلوس ونیزلوس، اظهار داشت: «به نظر می رسد که ترکیه عملکرد معمول در ایجاد تشنج مصنوعی و تحریک علیه یونان را تکرار می کند». آنچه خشم دولت ترکیه را برانگیخته است چیزی جز تصویب یک توافق بین المللی که بیش از ۶۰ کشور تائید آنرا امضا کرده اند و بر اساس آن آتن حق بالقوه توسعه قلمرو آبی خود را خواهد داشت، نیست. در جریان بحث در پارلمان یونان همه احزاب این کشور از امضای «قانون دریا» حمایت کردند. دولت



بلاروس

به دنبال یک فراندوم سراسری که در آن ۸۲ درصد مردم از یکی شدن اقتصادی با روسیه حمایت کردند، اجرای این طرح به هم پیوستن جمهوری های سابق اتحاد شوروی را یک قدم نزدیکتر می کند. مردم این جمهوری سابق اتحاد شوروی همچنین با یک رای ۷۵ درصدی از حفظ زبان روسی به عنوان زبان رسمی کشور حمایت کردند. جو عمومی کلاً حاکی از آن است که یکی شدن سیاسی دو کشور در آینده نیز غیر محتمل نمی باشد. جاده ها و راه آهن مرتبط شده روسیه به اروپا و همچنین مسیر حمل نفت، از بلاروس که ۱۰ میلیون جمعیت دارد، می گذرد.

چین

* دولت با تصویب و اعمال یک رشته قوانین جدید، ۵ روز کار در هفته، ۴۰ ساعت کار هفتگی و نیز جلوگیری از ورود کودکان کمتر از ۱۶ سال به بازار کار را به مرحله اجرا گذاشت. رقم های قبلی در این کشور ساعات کار از ۴۸ ساعت و شش روز کار در هفته به ۴۴ ساعت کار در هفته تقلیل داده بود. اقدام اخیر دولت چین مورد مخالفت سرمایه گذاران بین المللی است که در هراس از دست دادن نیروی کار ارزان هستند.

* چین در تابستان امسال برگزار کننده کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد در مورد زنان خواهد بود. این کنفرانس هر ده سال یک بار به منظور بررسی پیشرفت در مورد حقوق و شرایط زنان در جهان برگزار می شود. کنفرانس قبلی در سال ۱۹۸۵ در نایروبی برگزار شد. در کنار شرکت نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل در کنفرانس، نمایندگان سازمان های غیر دولتی زنان از کشورهای مختلف جلساتی خواهند داشت که عملاً نقش مهم و تأثیر گذارنده ای بر روند کنفرانس دولتی خواهد داشت. امسال قرار است که حدود ۳۰۰۰۰ نماینده زن از بیش از ۱۸۰ کشور جهان در بخش گردهمایی سازمان های غیر دولتی شرکت نمایند. ولیکن از هم اکنون مشخص است که محافل معینی که قصد دامن زدن تحریکات ضد دولتی و ایجاد تبلیغات ضد کمونیستی دارند سعی می کنند که از پوشش سازمان های غیر دولتی برای نفوذ عوامل خود و ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت های ضد چینی آنان استفاده کنند. بر طبق قرارهای معمول این گردهمایی و سنت های گذشته دولت های میزبان هیچگونه محدودیتی در حرکت و اقدامات سازمان های شرکت کننده نمی توانند به وجود بیاورند. و این با در نظر گرفتن وضعیت چین و اشتیاق محافل امپریالیستی برای ایجاد عدم ثبات در آن نگرانی هایی را در چین دامن زده است.

مجارستان

پارلمان کشور که نمایندگان حزب سوسیالیست در آن اکثریت دارند، یک لایحه خصوصی سازی را به منظور تسریع فروش کمپانی های دولتی به تصویب رسانده است. بر طبق این لایحه دولت سهام اکثریت خود را از کمپانی هایی که نقش استراتژیک دارند و قرار بوده است در اختیار بخش عمومی بمانند به بخش خصوصی خواهد فروخت. بسیاری از نمایندگان سوسیالیست در پارلمان و نیز اتحادیه های کارگری از فروش سهام کنترل کننده شرکت برق و برخی صنایع

ادامه در ص ۶

ترکیه همواره اعلام کرده است که دو برابر شدن قلمرو آبی یونان از شش مایل به ۱۲ مایل دریایی می تواند دلیلی برای آغاز برخوردهای نظامی میان دو کشور باشد. وزیر خارجه ترکیه در مورد مخالفت کشورش با حرکت یونان گفت: «تحول جدید به هیچ وجهی نظر ترکیه را در مورد مسایل قلمرو آبی در اژه عوض نکرده است». آنکارا از امضای «قانون دریا» خودداری کرده است چرا که معتقد است این قانون دریای اژه را عملاً به یک دریاچه یونانی بدل می کند و لذا دسترسی ترکیه به آبهای بین المللی را شدیداً محدود می کند. ترکیه و یونان در مورد حق بهره داری از منابع کافی اژه و نیز اشغال نظامی بخش شمالی قبرس توسط ترکیه با هم اختلاف دارند. در سال ۱۹۸۷ دو کشور همسایه که هر دو عضو پیمان ناتو هستند بر سر اختلاف خود در مورد منابع کافی دریای اژه، در معرض شروع یک جنگ تمام عیار بودند.

جمهوری چک

روزنامه کمونیست «هالو نوینی» در صفحه اول خود در روز ۸ خرداد ماه از همبستگی بین المللی با حزب کمونیست چک در مبارزه آن در مقابل بیرون راندن حزب از ساختمان مرکزی آن در پراگ گزارش داد. احزاب کمونیست و ترقیخواه از کشورهای مختلف و نیز نمایندگان ترقیخواه پارلمان اروپا دو مورد تزییقات علیه حزب کمونیست چک به دولت این کشور اعتراض نموده اند.

حزب کمونیست چک ساختمان فملی محل اداره مرکزی خود را که در آن زمان به راه آهن چکسلواکی تعلق داشت براساس یک قرارداد رسمی و قانونی به مبلغ ۱/۳ میلیون لیره استرلینگ خرید. اکنون دولت چک با توسل به برخی جوانب تکنیکی سعی دارد این ساختمان را تصاحب کند. دادگاه عالی چک رای داده است که این ساختمان هنوز به راه آهن تعلق دارد. ریچارد بالف، نماینده ترقیخواه پارلمان اروپا گفت: «از این اقدام بوی اذیت و آزار به مشام می رسد». در روز دوم خرداد ماه راه آهن چک به واکلاواکستر، معاون صدر حزب که رهبری گروه کمونیست ها در پارلمان را به عهده دارد گفته است که حزب سه راه در پیش دارد، یا به عنوان یک مستاجر بماند و اجازه پرداخت کند، یا اینکه این است که دولت بر مبنای نرخ های کنونی بازار خواستار است که در هر صورت حزب باید «اجاره های معوقه» از سال ۱۹۹۰ به بعد را که بالغ بر ۱/۲ میلیون لیره استرلینگ می شود بپردازد.

انفجار اجتماعی ...

چینی را تاریخ اقتصادی معاصر به خاطر نمی آورد.

در رشته کشاورزی حجم تولید ناخالص طی پنج سال تقریباً دوبرابر کاهش یافته است، تعداد دام ها به نصف تقلیل یافته است. تحویل منابع مادی و فنی به اقتصاد کشاورزی شدیداً کاهش یافته است. نابودی بخش اقتصاد عمومی و ایجاد بخش اقتصاد خصوصی تحت عنوان مالکیت چند گانه هدفمند به پیش برده می شود. ۵۰ تا ۸۰٪ کالوزها و ساوخوزها که ۶۰ تا ۸۰٪ محصولات کشاورزی را تولید می کردند، به ویرانی کشیده شده اند.

در رشته امنیت ملی خیانت به منافع کشور همچنان ادامه دارد، سیستم نظام واحد ارکان های دولتی از پائین تا بالا و نظام اداره آنها نابود شده است. ارتش، سازمان های امنیتی در مدارج گوناگون به مبارزه علیه مردم خود سازماندهی شده اند. شرکت های غربی به طور گسترده به منابع طبیعی ما نفوذ می کنند. نظام پولی کشور ویران شده است و پول ملی در مرز نابودی قرار گرفته است. بنابر آمار آکادمی علوم روسیه ۵۵ تا ۶۰٪ سرمایه ها و ۸۱ تا ۸۵٪ سهام صاحب رای در دست عناصر تبهکار و خارجی ها قرار دارد.

در عرصه اجتماعی: در اینجا ما ناظر تصویر وحشتناک مرگ مردم روسیه هستیم. در حال حاضر شمار متوفیان در سال یک میلیون نفر بیشتر از شمار متولدین کشور است. در اواسط دهه سال های ۱۹۵۰ مرگ و میر کودکان در اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا و سوئد تقریباً همطراز بود، اما اینک سطح مرگ و میر در روسیه ۲۵ بار بیشتر از سوئد، شش برابر بیش از ایالات متحده آمریکا است. این بلیه غیر قابل تصور ملی، خلق روس و دیگر خلق های روسیه را به نابودی تهدید می کند.

در عرصه روحی و روانی: فرهنگ ملی، علوم و آموزش رو به نابودی است. ولی دهشتناک تر اینکه نظام اهداف، ارزش ها و

ارجحیت ها که هر اجتماع آنها را مبنای رشد تاریخی خود قرار می دهد، رو به نابودی است. امروز جامعه روس که دست پخت دموکرات ها است دچار «فرار به سوی بیماری ها» است. ارقام و آمار گواهی می دهد که شمار بیماران روانی در روسیه مرز ۲۰٪ را پشت سر گذاشته است (این میزان در ایالات متحده آمریکا چیزی بین ۱۸ تا ۲۰٪ است). اگر شمار بیماران روانی در جامعه مرز ۳۰٪ را پشت سر بگذارد جامعه به فساد و تباهی می گراید و اصطلاحاً به «ویای اجتماعی» دچار می شود و این اقلیت بیمار متجاوز اکثریت سالم ولی منفعل جامعه را در چنبره تاثیر خود قرار می دهد.

رققای محترم! آیا فکر نمی کنید که روسیه در حدود کشور خود و جمهوری های سابق اتحاد شوروی درست به مرحله مشابهی از تاریخ خود رسیده اند که اقلیت مخاصم و در عین حال متجاوز خواست خود را بر زندگی خلق یعنی اکثریت منفعل تحمیل می کند؟

کشور ما دورانی شدیداً بحرانی را از سر می گذراند. این بحران امروز آغاز نشده است. ولی امروز به نقطه اوج آن نزدیک می شویم. حکام کشور هر چه بیشتر ناتوانی کامل خود را به نمایش گذاشته اند، کشور تحت رهبری آنها به هوایمایی می ماند که کنترل پرواز را از دست داده است. مردم نه تنها «دموکرات ها» را باور ندارند، بلکه از آنها نفرت پیدا کرده اند. آن لحظاتی نزدیک می شود که پیمانۀ شکیب خلقی لبریز می گردد.

مهم این است که ما در روسیه با وضع اجتماعی و طبقاتی جدیدی روبرو هستیم. این چگونگی وضعی است؟

اولاً؛ به نظر ما، در جامعه ساختار اجتماعی- طبقاتی کیفیتاً نویی که کاملاً قطبی است، شکل گرفته است. از سوی بورژوازی مافیایی درنده، و از دیگر سو زحمتکشان محروم، استثمار شده و غارت شده. این روند قطبی شدن را می توان جنگ اجتماعی بورژوازی علیه مردم خود نام نهاد. ثانیاً؛ در چنین شرایطی طبیعتاً و ضرورتاً

هر روز و هر ساعت همبستگی طبقاتی، جنبش خود جوش کارگری که به خیزش همه خلقی منجر خواهد شد، زاده می شود. این نهضت به کجا می انجامد؟ شعارها چه کسانی را طلب می کند؟ ژیرینوفسکی؟، کایدارا؟ یا کسان دیگری که بتوانند در لحظه معین به پیش صحنه مبارزه سیاسی بجهند؟ این مسأله برای ما خصلت آکادمیک ندارد.

ثالثاً؛ این حالت آشتی ناپذیر در جامعه اگر متوقف نکرد قطعاً به خیزش مردمی خواهد انجامید. این چنین است منطق درونی رشد اجتماعی. انقلاب ها را در خیال نمی سازند، آنها پیامد روند عینی حوادث هستند، هنگامی که تضادها را با وسایلی دیگر نمی توان حل کرد.

امروز این کمونیست ها نیستند که روسیه را به سوی انقلاب می رانند، بلکه یلتسین و شرکای او هستند. در ژانویه ۱۹۱۸ ولادیمیر لنین در سخنرانی خود پیرامون «انحلال مجلس موسسان» خاطر نشان ساخت: «... مضحک تر از آن نیست که گفته شود رشد آتی انقلاب و اعتراضات توده ها به تحریک حزب معینی، شخص معینی یا، آنطور که آنها فریاد می کشند، اراده «دیکتاتور» به وجود آمده است...» (مجموعه آثار لنین جلد ۳۵ صفحه ۲۳۹).

آیا این امر وضع کنونی موجود در روسیه را متبادر به ذهن نمی کند؟ آری، مردم اساساً در اکثریت خود هنوز سکوت کرده اند، ناراحت هستند، تحمل می کنند، ولی همه این برای امروز است... فردا چه در پیش خواهد بود؟ هیچ نشانه ای از اینکه رژیم حاکم به درک چیزی می رسد و سیاست خود را تغییر می دهد در دست نیست. و از اینجاست که ما به این نتیجه می رسیم انفجار اجتماعی و یا سلسله انفجارها کریز ناپذیر است. برای اینکه خلق بی سر نشود، برای اینکه بار دیگر او را با فریب به دام دیگر نکشانند، ما کمونیست ها بایستی کار دشوار و دقیقی را از پیش ببریم.

شفیلد در قلب انگلیس را ادامه خواهند داد. راه پیمایان که نقاط مبدأ حرکت اعتراضی آنان شهرهای نیوکاسل در شمال شرقی انگلیس، لیورپول در شمال غرب انگلیس و داری در منطقه صنعتی «میدلند» هستند، خواستار اتخاذ سیاست اشتغال کامل، ایجاد کار با کیفیت، بالا، و دستمزد مناسب و شرایط کار انسانی از سوی دولت هستند. نمایندگان کارگران بیکار از تمامی مراکز صنعتی انگلیس در این راهپیمایی ها شرکت دارند. راهپیمایان در مسیر خود از تمامی مراکز تولیدی که در ۱۶ سال اخیر به دلیل سیاست محافظه کاران تعطیل شده اند، نظیر کارخانه های تولید اتومبیل و کشتی سازی و نیز معادن زغال سنگ، بازدید و جلسات سخنرانی عمومی برگزار خواهند کرد.

معمولاً فقط درصدی از بیکاران در آمارهای دولتی به حساب می آیند و نیز اینکه کل نیروی کار کشور بین ۴/۵ تا ۵ میلیون نفر است، ابعاد مشکل مشخص می شود. دولت خواستار یک توافق اجتماعی بین دولت، اتحادیه های کارگری و کارفرمایان است که توسط آن «شوک» گذار به اقتصاد بازار را کاهش دهد.

انگلستان

جنبش کارگری انگلیس مبارزه متحد و هماهنگی را علیه بیکاری توده ای و بی عملی دولت محافظه کار آن آغاز نموده است. در فاصله روزهای ۲۲ خرداد ماه تا ۳ تیرماه فعالین جنبش مبارزه علیه بیکاری که در رابطه با کنکره اتحادیه های کارگری کشور فعالیت می کند از ۳ نقطه کشور راهپیمایی اعتراضی به سمت شهر صنعتی

اخبار خارجی ...

وابسته به آن ناراضی هستند. برنامه خصوصی سازی شرکت ها و کمپانی های دولتی از زمان به قدرت رسیدن ائتلاف سوسیالیست لیبرال ها در اواخر تیرماه گذشته، معوق مانده بود.

الجزایر

ادامه خشونت به موازات وضعیت وخیم اقتصادی، بحران همه جانبه ای را در الجزایر بوجود آورده است. دولت مرکزی که از پیدا کردن راه حل مناسب درمانده است و از سرپیچارگی به هر دری می زند. وزیر کار الجزایر اظهار داشته است که این کشور ۱/۷ میلیون نفر بیکار دارد که بیش از نیمی از آنان زیر گروه سنی سی سال اند. با توجه به اینکه

در «کنفرانس بین المللی نقش زن» در تهران از تنها موضوعی که صحبت نشد شرایط فاجعه بار زنان ایرانی بود

استقلال اقتصادی که از مهمترین مسایل و معضلات مبارزه زنان برای دستیابی به حقوق برابر در جامعه بوده است تا تبلیغ و تلاش در اجرای این نظریه واپسگرایانه و عمیقاً ارتجاعی که اساسی ترین نقش زن «خانه داری» و «شوهر داری» است، بخش هایی از برنامه رژیم جمهوری اسلامی برای «اعتلای» نقش زنان در کشور ما بوده است.

کارنامه جمهوری اسلامی در عرصه پایمال کردن حقوق زنان سیاه تر از آن است که بتوان با برگزاری يك کنفرانس در تهران کسی را در دنیا فریب داد. افشای نمایندگان جمهوری اسلامی در کنفرانس های متعدد جهانی و تصویب قطعنامه های بی شمار در محکومیت سیاست های زن ستیزانه رژیم «ولایت فقیه»، از جمله در آخرین کنفرانس جهانی زنان در نایروبی، بهترین پاسخ نیروهای مترقی جهان به این یاهو کویی های سران رژیم و اعوان و انصارشان است. زنان قهرمان میهن ما دیرگاهی است دریافته اند، که رژیم حاکم عمده ترین سد راه برای دستیابی آنان به حقوق پایمال شده شان است. مبارزه پراکنده ولی رشد یابنده زنان در گوشه و کنار کشور که امتسال به عنوان نمونه در برگزار شدن صدها جشن هشت مارس در گوشه و کنار کشور به شکل مخفی تبلور یافت، نوید دهنده مبارزه رشد یابنده ای است که همه نیروهای مترقی و آزادیخواه میهن می بایست با تمام توان از آن حمایت کنند.

نماینده مجلس و دبیر کل جامعه زینب نیز از دیگر سخنرانان مراسم افتتاحیه بود که پیرامون مشکلات زنان در جهان [!!!] سخن گفت. (نقل قول ها - روزنامه "سلام"، ۲ خرداد ماه ۱۳۷۴)

نکته ای که در گزارش مختصر و شکسته بسته این کنفرانس در روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی فوراً توجه خواننده را به خود جلب می کند، این است که پس موضوع نقش زنان ایرانی و مساله حقوق انسانی و به قول خاتم مصطفوی مساله نابرابری های آنها، که در رژیم جمهوری اسلامی از آن رخ می برند چه می شود؟

خواننده پاسخ سئوال خود را با کمی دقت در لابلای حرف های کنگ و مبهم پیام رئیس جمهور به این کنفرانس جهانی می تواند بیابد. زنان کشور ما در «سایه» رژیم «ولایت فقیه» از همان مقدار حقوقی برخوردار هستند که به قول آقای رفسنجانی در چارچوب ساختارهای «دینی، سنتی» و با توجه به «نیازها و شرایط ویژه اجتماعی» امکان پذیر است.

به عبارت دیگر همان فاجعه ای که ما امروز در ایران شاهد آن هستیم. فاجعه ای که نه تنها نقشی برای زنان در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قایل نیست، بلکه آگاهانه تلاش کرده و می کند تمامی دستاوردهای جنبش مترقی و پیشروی زنان کشور ما را که طی دهه ها مبارزه به دست آورده اند، بازپس بگیرد. از محروم کردن زنان در تعیین لباس و پوشاک، تحمیل غیر انسانی حجاب، محروم کردن اکثریت زنان از حق تحصیل و کار و دستیابی به

بر اساس گزارش روزنامه های مجاز، کنفرانس بین المللی «نقش زن و خانواده در توسعه انسانی» روز دوشنبه اول خرداد در هتل استقلال تهران با پیامی از هاشمی رفسنجانی آغاز به کار کرد. کنفرانس تهران که در آن ۶۸ سازمان و انجمن غیر دولتی از ۵۲ کشور جهان شرکت داشتند، دیداری است در چارچوب برنامه های تدارکاتی برای چهارمین کنفرانس جهانی زن که قرار است در سال جاری در پکن برگزار شود.

گروهی از سردمداران رژیم در پیام ها و سخنرانی هایی که در کنفرانس ارائه دادند موضع های مختلفی را طرح کردند که اهم آنها به شرح زیر است. هاشمی رفسنجانی در پیام خود به کنفرانس از جمله گفت: «زنان به عنوان مدیران اصلی خانواده نقش اساسی در توسعه انسانی جوامع بر عهده دارند... تشکل های غیر دولتی خیرخواهانه و بشر دوستانه جوامع و اقوام مختلف با رعایت ساختارهای دینی، سنتی و ملی و با توجه به نیازها و شرایط ویژه اجتماعی نقش بسزایی را ایفا می نماید...». حجت الاسلام تسخیری (دبیر کل انجمن جهانی اهل بیت [!!!]) در سخنرانی خود ضمن حمله به سازمان های بین المللی در مورد حقوق زنان از جمله گفت: «در این سازمان ها تنها منافع حاکمان بر آنها تحقق می گیرد و اکثر آنها تحت تاثیر جریانانات محارب... هستند». خاتم زهرا مصطفوی (فرزند خمینی) نیز در سخنان خود از جمله گفت: «امروزه زنان جهان با مشکلات کم و بیش مشابهی در روند تحركات اجتماعی، اقتصادی توسعه جوامع دست بگریباندند و در بسیاری از نابرابری های آموزشی، دسترسی به فرصت های شغلی متناسب با قابلیت های خود، عدم تناسب در توزیع درآمدها، نابرابری در حقوق مدنی و مشارکت سیاسی با مردان رخ می برند...». خاتم مریم بهروزی،

ادامه بازتاب جهانی فراخوان ...

فدراسیون جهانی جوانان دموکرات به مثابه بزرگترین کنفدراسیون و تشکل جهانی جوانان به نمایندگی از سوی بیش از ۱۰۰ سازمان جهانی جوانان و ده ها میلیون عضو این سازمان در پی دریافت نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران فراخوانی به تمامی خبرگزاری های جهان به امضای دبیرکل فدراسیون مخابره کرد که در بخش هایی از آن از جمله آمده است:

«ما به شدت از حوادثی که در ایران می گذرد نگران هستیم. ما با تاسف و حیرت فراوان خبر کشتار ده ها تظاهر کننده جوان در اسلام شهر و میدان خراسان را دریافت کردیم. تنها «کناه این تظاهر کنندگان» اعتراض علیه دشواری های طاقت فرسای اقتصادی که علیه مردم زحمتکش تحمیل شده است می باشد... ما حمایت خود را از تظاهر کنندگانی که علیه قیمت های کمرشکن ارزاق عمومی، بیکاری، فقر و محرومیت ... سرکوب و اختناق دست به اعتراض زده اند اعلام می کنیم. ... ما همچنین با نگرانی زیاد اخبار مربوط به خطر مرگی که جان ۴۴ زندانی سیاسی را تهدید می کند دنبال می کنیم... فدراسیون جهانی متن اعتراضیه ای را تهیه کرده است که به تمامی سازمان های عضو خود برای جمع آوری امضا ارسال می دارد. فدراسیون جهانی از دبیر کل سازمان ملل متحد، عالیجناب پطرس غالی می خواهد که فوراً در این زمینه اقدام های عاجلی را سازماندهی کند.»

بدون آنکه حتی حق دفاع و فرجام خواهی داشته باشند، اعدام کند.

در پی این سخنرانی شماری از نمایندگان مجلس استرالیا فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای نجات جان زندانیان سیاسی را امضا کردند. نام این نمایندگان به شرح زیر است.

آ. گریفین، د. ملهام، ل. فرکوسن، پ. استیپل، پ. دانکن، ل. مکلی، ر. پرایز، ه. جنکینز، پی داد، س. هوی لند، پ. نات، د. آدامز

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به کمیته مرکزی حزب توده ایران

نامه ای از سوی کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب ما رسیده است که نظریه اهمیت آن بخش هایی از نامه را، که تصویر روشنی از شرایط جامعه پار مردم عراق ارائه می دهد، برای اطلاع خوانندگان «نامه مردم» درج می کنیم.

«رفقای عزیز!

ما در ماه های اخیر شاهد تشدید فشار، ریخ و مشقت مردم کشور ما که در آستانه یک فاجعه همه جانبه اقتصادی - اجتماعی، سیاسی قرار گرفته است، بوده ایم. این فاجعه در شرایط ادامه حکومت دیکتاتوری و ادامه سیاست ترور و اختناق، از یک سو و توطئه های گوناگون و دخالت های منطقه ای و بین المللی از سوی دیگر، که آخرین آن حمله نظامی و اشغال بخش هایی از کردستان در شمال عراق است، در حال شکل گیری است.

در عین حال این شرایط فاجعه بار به خاطر سیاست تجاوزگرانه رژیم صدام حسین علیه کشورهای همسایه منطقه و ادامه تحریم اقتصادی که نزدیک ۵ سال است بر مردم میهن ما تحمیل گردیده است، رویه وخامت بیشتری است. حزب ما در کنار برخی از نیروهای اپوزیسیون و دوستان مردم ما فشار و تلاش زیادی را برای لغو تحریم اقتصادی علیه مردم و ادامه تحریم های سیاسی، نظامی و فشارهای دیپلماتیک سازماندهی کرده است. حزب ما در بیانیه ای که به شورای امنیت سازمان ملل متحد تقدیم کرد، از شورای امنیت خواست تا اجازه داده شود فروش نفت در چارچوبی که نیازهای غذایی، بهداشتی و پوشاک مردم ما را تأمین کند، آزاد گردد... این تلاش ها تا امروز با موانع جدی روبرو گردیده است...

حزب ما از همه احزاب همزرم و دوست و تمامی کسانی که مدافع حقوق بشر و دموکراسی هستند می خواهد تا تمام تلاش خود را در راه پایان دادن به بی عدالتی علیه مردم ما و تحریم اقتصادی به کار گیرند و حساب مردم عراق را از حکومت دیکتاتوری حاکم جدا

سازند...

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب ما در پلنوم اخیر خود در ۲۷ و ۲۸ آوریل، یورش نظامی دولت ترکیه را یک حمله اشغالگرانه، تجاوزگرانه و متغیر با قوانین بین المللی ارزیابی نمود و آن را به شدت محکوم کرد... ما همچنین می خواهیم توجه شما را به شرایط در مناطق آزاد شده در کردستان عراق جلب کنیم. مردم این مناطق نیز در شرایط محاصره اقتصادی بین المللی و در نتیجه آن تشدید محاصره دولت عراق علیه این مناطق در شرایط بسیار دشواری به سر می برند. رژیم همچنین تلاش می کند تا برخورد های نظامی را، که میان دو حزب حاکم در منطقه از ماه مه سال گذشته آغاز گردیده است، و ما در تلاش پایان دادن به آن ها هستیم، تشدید کند...

رژیم دیکتاتوری صدام حسین، کشور ما را به آستانه یک فاجعه همه جانبه اقتصادی - اجتماعی رانده است... همبستگی شما با ما و حمایت شما از مبارزه ما در این شرایط بسیار دشوار از اهمیت ویژه ای، در نبرد مردم ما علیه دیکتاتوری حاکم و در دفاع از حقوق دموکراتیک، آزادی و دموکراسی و صلح و برپایی جامعه ای عادلانه و انسانی، برخوردار است. اجازه دهید تا از این فرصت استفاده کنیم و پایبندی مجدد خود را به روابط رزمجویانه میان دو حزب و آرزوی قلبیمان برای گسترش هرچه بیشتر آن به اطلاعاتان برسانیم.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۷۴

ادامه بازتاب جهانی فراخوان حزب توده ایران برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران

در ادامه بازتاب وسیع جهانی به فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران، گزارش های دیگری به دفتر نامه مردم رسیده است که خلاصه ای از آنها به شرح زیر است:

پارلمان استرالیا

آقای فرانکا ارنه، نماینده مجلس استرالیا در سخنرانی خود که در پارلمان این کشور ایراد کرد از جمله گفت: «اجازه دهید تا به مجلس اطلاع دهم که من اطلاعیه مطبوعاتی از روابط بین المللی حزب توده ایران با عنوان «خطر مرگ جان ۴۴ زندانی سیاسی در ایران را تهدید می کند» دریافت کرده ام. متن این اطلاعیه مطبوعاتی به شرح زیر است (متن اطلاعیه)... اجازه دهید همچنین نام زندانیان سیاسی را که همراه با این اطلاعیه به دست من رسیده است به اطلاع شما برسانم (اسامی زندانیان سیاسی)... من همچنین امروز با سازمان عفو بین الملل که سازمان بین المللی است و بسیاری از اعضای محترم این مجلس عضو آن هستند، تماس گرفته ام و آنها نیز ضمن ابراز نگرانی شدید از ادامه سرکوب حقوق بشر در ایران اطلاعیه مطبوعاتی زیر را در اختیار من قرار داده اند (متن اطلاعیه)...

شرایط ایران بسیار جدی است. ایران کشوری است که استرالیا با آن روابط بسیار وسیع اقتصادی و تجاری دارد. من امیدوار هستم که تمامی اعضای محترم مجلس در اعتراض با سفارت ایران در کنبرا تماس بگیرند. من از تمامی نیروهای مترقی، سازمان های بین المللی، دبیرکل سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان عفو بین الملل می خواهم که فوراً برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران اقدام کنند... این وظیفه تمامی اعضای محترم این مجلس است که شدیداً علیه این موضوع اعتراض کنند. این مساله ننگ آور است که ایران، کشوری که استرالیا با آن روابط وسیع تجاری دارد، زندانیان سیاسی را

ادامه در ص ۷

کمک مالی رسیده:

از آلمان به یاد رفیق مهرگان ۱۵۰ مارک

NAMEH MARDOM
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany
2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

No:456
20 June 1995

شماره فاکس ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

